

نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی استان مازندران

امین ورزی کناری^۱، ابوالقاسم حیدرآبادی^۲، منوچهر پهلوان^۳

چکیده

نوسازی و مدرنیزاسیون می‌تواند باعث تغییراتی در زمینه ارزش‌های مادی و غیرمادی خانواده گردد. فرآیند نوسازی فرهنگی نیز تغییراتی را در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع به وجود آورده که منجر به تغییر و دگرگونی در ارزش‌های خانوادگی شده است. لذا پژوهش با هدف تأثیر نوسازی فرهنگی بر ارزش‌های خانواده انجام شد. روش تحقیق، پیمایشی بوده و با ابزار پرسشنامه، اطلاعات جمع‌آوری شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای استان مازندران بوده که ۷۲۵۰۰ نفر هستند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر است. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین نوسازی فرهنگی و تغییرات ارزش‌های خانواده بیش از حد متوسط است و بیانگر نگرشهای تقریباً مدرن در حوزه ارزشهای خانوادگی در بین دانش‌آموزان است. بین نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. هرچه نوسازی فرهنگی بیشتر شود، میزان تغییر ارزش‌های خانواده افزایش می‌یابد. همچنین می‌توان شاهد وجود رابطه مثبت بین مولفه‌های نوسازی فرهنگی با ارزش‌های مادی و ارزش‌های غیرمادی خانواده بود. نتیجه این که توسعه و مدرنیزاسیون می‌تواند ارزش‌های دانش‌آموزان استان مازندران را تغییر دهد و بایستی در راستای صنعتی شدن، توسعه و نوسازی اجتماعی و فرهنگی، به دنبال تغییر در ارزش‌های جامعه متناسب با فرهنگ جامعه ایرانی اسلامی بود.

واژگان کلیدی: نوسازی فرهنگی، ارزش‌های مادی، ارزش‌های غیرمادی، خانواده.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۸

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (Email: amin.varzi.kenari2019@gmail.com)

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول) (Email: Ashahin2000@yahoo.com)

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (Email: M_pahlavan@yahoo.com)

مقدمه

موضوع اصلی مقاله حاضر، نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده است. متغیر نوسازی فرهنگی به عنوان متغیر مستقل و ارزش‌های خانواده به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. محقق به دنبال بررسی رابطه بین نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده و به عبارتی میزان اثرگذاری نوسازی فرهنگی بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی استان مازندران است. نظام خانوادگی و ارزش‌های آن در زمره مفاهیمی است که از دل تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی برخاسته است. تعامل میان فردی به بعد مهمی از فعالیتهای اجتماعی تبدیل شده است، و تأثیرات آنها بر زندگی اجتماعی اشخاص رو به فزونی است (تانگ و والتر، ۲۰۱۱). اکثر جامعه‌شناسان حوزه تغییرات اجتماعی بر این باورند که با قاطعیت می‌توان گفت که در هیچ مقطع تاریخی، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در درون جوامع به سرعتی که امروزه در حال تغییر است، دچار دگرگونی نبوده است. به موازات دگرگونی‌های وسیع محیطی و ساختاری، نظام ارزشی جوامع نیز به آن واکنش نشان می‌دهد و دچار دگرگونی می‌شود. این مسأله به خصوص برای جوامعی که فرایندهای مدرنیزاسیون و از جمله نوسازی فرهنگی را به طور وارداتی و از بالا به پایین تجربه کرده‌اند، مشهودتر است چرا که با سرعتی که تغییرات محیطی و ساختاری دارند، نظام‌های ارزشی سنتی و جدید فرصت پیدا می‌کنند در تقابل و تعارض با یکدیگر قرار گیرند (روستایی، ۱۳۸۵: ۸). توجه به ارزش‌ها به ویژه ارزش‌های اجتماعی در خانواده دارای اهمیت است. ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آنها می‌توان جامعه را به زوال یا به تعالی کشاند (کفاشی، ۱۳۸۴: ۲). بنابراین آینده خانواده، دوام و یا فروپاشی ارزش‌های آن، همواره از مهمترین دل‌مشغولی‌های جامعه‌شناسان بوده است.

در محیط خانواده فرزندان ارزش‌ها را می‌آموزند و با کسب تجربه با دنیای بیرون از خانواده رابطه برقرار می‌کنند. با ورود تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی به خانه‌ها، ارزش‌های اجتماعی خانواده‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و تغییراتی در رفتار نسل جوان به وجود آمده است (اسلوین، ۱۳۸۰: ۸۰). در خلال چند دهه اخیر نهاد خانواده و نظام خویشاوندی در ایران تغییر و تحولات ژرفی را تجربه کرده است؛ این تغییرات عمدتاً متأثر از ورود، فرایند و پیامدهای عناصر نوسازی بوده‌اند (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸).

در فرایند مدرنیزاسیون که موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی و غیره می‌گردد، افراد به سمت مادی‌گرایی و در نهایت تغییر ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی پیش می‌روند. طبیعتاً خانواده نیز به عنوان ساختاری در جامعه، تحت تأثیر این تغییرات قرار داشته است و در جریان این تحولات، ساختار، کارکرد و ارزش‌های حاکم بر آن دچار تحولات چشمگیری گشته است (حقیقتیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۶). با توجه به تحولات سریع اطلاعات و تکنولوژی که تحولات سریع فرهنگی را نیز به همراه داشت، مسأله ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای تفکر و عمل هم از حیث منشأ و منبع و هم از حیث انتقال و تداوم دچار تحولاتی شد که در حوزه کلی تعارض ارزش‌ها قرار می‌گیرد (بیات، ۱۳۸۲). نتایج بسیاری از تحقیقات در جامعه ایران حاکی از تغییر ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های ایرانیان است (عبداللهیان، ۱۳۸۳؛ احمدنیا و مهریار، ۱۳۸۳؛ حاضری، ۱۳۸۰ و آزادارمکی و دیگران، ۱۳۷۹). در خلال چند دهه گذشته ساختار و کارکردهای نهاد خانواده با تغییر و تحولاتی وسیع همراه بوده است (صادقی، ۱۳۸۶). در این میان یکی از حوزه‌هایی که به شدت تحت تأثیر تغییرات نگرشی و ارزشی قرار گرفته است، ارزش‌های پیرامون نهاد خانواده و در ابعاد ارزش‌های مادی و غیرمادی است. شواهد موجود حاکی از آن است که برخی روندها و پدیده‌هایی که در دهه‌های گذشته منجر به تحول و دگرگونی خانواده در جوامع غربی شده‌اند، امروزه، به درجات مختلف، در خانواده ایرانی بروز و ظهور یافته‌اند (جمشیدیها و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۴). طی سال‌های گذشته به موازات تغییرات اقتصادی و سیاسی که در جامعه ما روی داده، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیز دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. این هنجارها که به آرامی جای خود را در میان باورها و اعتقادات مردم باز می‌کنند، ممکن است با باورهای گذشته همخوانی چندانی نداشته باشند و حتی در تعارض با آنها قرار گیرند. در شهرهای استان مازندران و در بین دانش‌آموزان نیز عواملی چون مدرنیزاسیون و نوسازی

فرهنگی زمینه را برای تغییر در ارزشهای اجتماعی و ارزش های خانوادگی ایجاد کرده‌اند. با پدید آمدن این بسترهای جدید در جامعه در اثر فرایند نوسازی، گونه‌های جدید از ارزش های خانوادگی به تبع این فرایندها شکل گرفته است و یا در حال شکل گیری در لایه های زیرین جامعه می‌باشد. بنابراین محقق بر آن است تا نقش نوسازی فرهنگی بر ارزشهای خانواده در بین دانش آموزان دبیرستانی استان مازندران را به صورت علمی و سیستماتیک بررسی نماید.

پیشینه تجربی تحقیق

تحقیقات مختلفی در زمینه نقش نوسازی و مدرنیزاسیون بر ارزش ها و خانواده در ایران و خارج از ایران صورت گرفته است. در ایران نیز مطالعات متعددی در حوزه مدرنیزاسیون و خانواده صورت گرفته است. زاهدی و نازک‌تبار (۱۳۹۳)، محمدپور (۱۳۸۰)، مدیری (۱۳۹۷)، آزاد ارمکی و ملکی (۱۳۸۵)، محمدپور و دیگران (۱۳۸۸)، آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۴)، جمشیدها و همکاران (۱۳۹۳)، پهلوان (۱۳۸۹)، منفرد (۱۳۸۳)، کوهی و جمالی (۱۳۹۱)، کفاشی (۱۳۸۷)، نجفی ایوکی (۱۳۹۲)، امینی (۱۳۹۵)، آقاجانیان (۲۰۰۱)، هیرشمن و هومین (۲۰۰۲)، بارخوس و تاشیرو (۲۰۱۰)، نینا تورن (۲۰۰۴)، مالهورترا و تسوی (۱۹۹۶)، والک و همکاران (۲۰۱۰)، سیوندرام (۲۰۰۵)، لایی و تورنتون (۲۰۱۵)، هیماون و دیگران (۲۰۱۷)، زاهدی و همکاران (۱۳۹۲) و جوادی و زنجانی‌زاده (۱۳۸۳) به بررسی نقش نوسازی بر خانواده و ارزش های آن پرداخته و نشان می‌دهند که روند نوسازی اجتماعی و فرهنگی می‌تواند بر تغییر ارزش های خانوادگی اثرگذار باشد.

- محمدپور و دیگران (۱۳۸۸) سنت، نوسازی و خانواده (مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی) را مورد بررسی قرار دادند. این تحقیق به واکاوی فرایند نوسازی و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر نهاد خانواده در بستر اجتماع ایلی و درک و تفسیر مردمان آن از اشکال سنتی و مدرن خانواده، ابعاد و عوامل زمینه ساز تغییرات خانواده می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهند که خانواده هم از نظر ساختاری-کارکردی و هم از نظر معنایی-تفسیری در معرض تغییر بوده و سه مؤلفه نوسازی یعنی شهرنشینی، آموزش مدرن و رسانه‌های ارتباطی بر افول ابعاد سنتی خانواده و پیدایش شکل مدرن آن مؤثر بوده‌اند.
- حقیقتیان و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی تاثیر نوسازی فرهنگی و مکانیسم تاثیرگذاری آن بر ارزشهای خانواده در بین جوانان نیاوند پرداخته‌اند. طی چند دهه اخیر، نهاد خانواده متأثر از ورود، فرایند و پیامدهای نوسازی تغییر و تحولات ژرفی را در دو سطح عینی-ساختاری و ذهنی معنایی تجربه کرده است. نتایج نشان می‌دهد که سه مؤلفه نوسازی فرهنگی یعنی، ریسک پذیری، بازاندیشی، کمرنگ شدن باورهای مذهبی بر افول اشکال خانواده و پیدایش شکل مدرن آن موثر بوده است. بعد ریسک پذیری بیشترین میانگین را (۳,۳۸) داراست و کمرنگ شدن باورهای مذهبی با مقدار ۳,۰۲ دارای کمترین مقدار میانگین می‌باشد. و در کل میانگین فرایند نوسازی فرهنگی در جامعه مورد مطالعه ۳,۲۵ بوده است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که نوسازی و مولفه‌های آن در مجموع ۲۵. واریانس تحولات ارزشی خانواده را تبیین می‌کند.
- آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان "توسعه و تغییرات خانواده: تأکیدی بر تحولات ارزشی با استفاده از داده‌های جهانی" معتقدند که سرعت تغییرات و تحولات جهانی در دهه‌های اخیر نگرانی‌هایی را برای مردم و اندیشمندان حوزه خانواده به وجود آورده است. برخی این تغییرات را ضرورت زندگی امروزه بشر و برخی آن را در تضاد با ارزشهای حاکم و اصیل انسانی می‌دانند. نظریه پردازان مدرنیزاسیون و همگرایی خانواده، ایدآلیسم توسعه، نظریه گذار دوم جمعیتی و توسعه انسانی معتقدند که توسعه مهمترین عامل تغییرات و تحولات خانواده محسوب می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که الگوهای رقیب و عوامل تهدید مانند سن ازدواج، طلاق، هم بالینی، همجنس گرایی، سقط جنین و روسپیگری رو به افزایش

بوده و از سوی دیگر باورها و نهادهای حامی خانواده مانند خدا باوری و دین اهمیت گذشته خود را از دست داده و تضعیف شده است.

■ زاهدی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده» معتقدند که از میان متغیرهای مستقل تحقیق، سرمایه درونی بیشترین تاثیر را بر ارزشهای حوزه خانواده به ویژه ارزشهای مدرن در سطح معناداری داشته است، به این معنی که با افزایش سرمایه درونی خانواده ارزشهای مدرن خانواده بیشتر شده و ارزشهای سنتی نیز کاهش یافته است. از میان متغیرهای اثرگذار دیگر بر ارزش‌های مدرن خانواده، جهت‌گیری عام‌گرایی اثرات مثبت و معناداری بر ارزشهای خانوادگی داشت. و اثرگذاری سرمایه بیرونی هم بر ارزش‌های مدرن خانواده مثبت و معنادار است. نتایج نشان می‌دهد ارزش‌های سنتی حوزه خانواده هنوز تا اندازه زیادی به قوت خود باقی هستند و ارزش‌های مدرن نیز آرام آرام و به تدریج در حال شکل‌گیری هستند.

مبانی نظری و مفهومی پژوهش

آیزنشتات معتقد است فرآیند نوسازی از درون گروه‌های قبیله‌ای، جوامع کاستی، جوامع روستایی متفاوت و جوامعی با میزان‌های مختلف شهرنشینی آغاز می‌شود (کرمی و فنایی، ۱۳۷۳: ۴۷). سه فرضیه اساسی در مفهوم نوسازی شامل منابع بی‌جان قدرت، تلاش فردی و تلاش جمعی برای دستیابی به نوسازی و همچنین تغییر در ساختارها و ارزشها (دیوب، ۱۳۷۷: ۳۸).

یکی از تئوری‌های مهمی که در زمینه دگرگونی ارزش‌ها مطرح گردید، تئوری «دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت» می‌باشد. اینگلهارت برای سنجش ارزش‌های شهروندان اروپایی ارزش‌ها را به دو دسته مادی و فرامادی تقسیم می‌کند. ارزش‌های مادی مبتنی بر نیازهای زیستی و امنیتی فرد هستند و مستقیماً با حیات طبیعی فرد در ارتباط هستند و در مقابل ارزش‌های فرامادی در جهت ارضای نیازهای فزاینده انسان می‌باشند. نظریه اینگلهارت در خصوص دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جایجایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد. این دگرگونی می‌گوید؛ جایگزینی نسلی تنها عامل تغییر ارزشی نیست، بلکه مؤلفه‌های مهم دیگری نیز مطرح می‌باشد (آبرامسون و اینگلهارت، ۱۳۷۸: ۶۵). به اعتقاد اینگلهارت اشخاصی که از سطح نسبتاً بالای امنیت برخوردارند، مانند فرامادیون، انحراف از الگوهای خانوادگی را آسانتر از اشخاصی که درباره نیازهای طبیعی پایه، احساس اضطراب دارند می‌پذیرند در نتیجه انتظار داریم که فرامادیون دگرگونی فرهنگی را بیشتر از دیگران بپذیرند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۰۲).

اینگلهارت معتقد است که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، تحول در ارزش‌های مادی انسان‌های این جوامع رخ داده، به گونه‌ای که روند این تحول، حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی را نشان می‌دهد. او طی مطالعات گسترده خود نشان می‌دهد که دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل جدید حاکی از تحول فرهنگی است که نسبت به نسل قدیم رخ داده به اعتقاد اینگلهارت دگرگونی فرهنگی زمانی روی می‌دهد که دگرگونی‌هایی در محیط اقتصادی، تکنولوژیکی، سیاسی و یا اجتماعی روی دهد. البته این دگرگونی‌ها به آرامی و از طریق جامعه‌پذیری نسل‌های جدید تحقق می‌یابد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۲).

و در این تحول کیفیت زندگی و ابراز نظر فردی برجستگی بیشتر در مقابل هنجارهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و مذهبی گذشته دارد. او تغییر ارزشی، را روندی می‌داند که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد نه به طور مداوم از سالی به سال دیگر (یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۲). وی معتقد است که اشاعه‌ی رسانه‌های جمعی منجر به تغییرات ارزش‌ها شده است به طوری که در عصر کنونی، جهانی شدن ارتباطات و رسانه‌ها بر شکاف ارزش‌های نسلی تأثیر نداشته است. در مجموع نظریه تغییر نگرشی و ارزشی اینگلهارت دارای دو فرضیه پیش‌بینی‌کننده است که دگرگونی ارزش‌ها را تبیین می‌کند. ۱. فرضیه کمیایی: که براساس آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی اوست و فرد بیشترین ارزش را برای چیزهایی قائل است که عرضه‌ی آنها کم است. با توجه به این نظریه می‌توان گفت که فرد بر حسب محدودیت‌ها و اقتضای بافت اجتماعی و فرهنگی که در آن زندگی می‌کند نوع استفاده‌اش از

شبکه های اجتماعی اینترنت نیز شکل می گیرد. ۲. فرضیه جامعه پذیری: این اصل مبتنی بر این قضیه است که ارزش های اساسی فرد، به شکل گسترده، منعکس کننده شرایط و فرایند جامعه پذیری وی است که در سال های قبل از بلوغ تجربه کرده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۷).

از نظر کارکردگرایان ساختاری وقتی تأکید بر کارکرد باشد، شکل خانواده با تغییر جامعه و تغییر نیازهایش تغییر شکل خواهد یافت. از نظر پارسونز، خانواده هسته ای تنها نوع خانواده ای است که در تضاد با جامعه صنعتی قرار نمی گیرد. خانواده ای به حد کافی کوچک که بتواند به راحتی تحرک داشته باشد، از نظر وی همانطور که نظام اجتماع در مجموع براساس تخصص و تفکیک است، خانواده نیز که پاره نظامی از نظام کل است، برپایه تفکیک وظایف بنا شده است (میشل، ۱۳۵۴: ۷۲). پارسونز تحول اجتماعی و صنعتی شدن جامعه و پیدایش نهادهای جدید را به عنوان عامل عمده در تغییر وظایف خانواده و کم شدن ابعاد خانواده معرفی می کند (مهدی، ۱۳۵۴: ۴۵). از دیدگاه کارکردی، این قبیل تغییرات ساختار فعالیت های خانواده نشان دهنده تطبیق پذیری خانواده با تغییر در سایر ابعاد خانواده است. از دید پارسونز اگر توسعه صنعتی و جامعه صنعتی، توان ظهور یافته همه و همه به علت شکل جدید خانواده است. به دنبال تکامل جوامع، نهادهای مختلف اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و غیره به عنوان نهادهایی مستقل از خانواده پدید آمده است و باعث گشته اند که بسیاری از وظایف از دوش خانواده سنتی برداشته شود. در واقع جدایی محل کار از خانه، بسیاری از کارکردهای خانواده را به عنوان یک واحد تولیدی به نهادهای خارجی سپرد. بنابراین خانواده به محل ارتباطات صمیمانه و خصوصی بدل گشت و در پی جدایی محل کار از خانه، خانواده ارزش اقتصادی اش را از دست داد (هارون^۱، ۱۹۷۹: ۱۹۸ و ۲۰۱).

نیل اسملسر از جامعه شناسانی است که در بحث نوسازی به تمایزات اجتماعی توجه داشته و محور اندیشه ی خود را بر تمایزات ساختاری استوار می کند. به نظر وی در یک جامعه پیشرفته، تفکیک کارکردی عناصر ساختی به صورت کامل صورت گرفته، ولی جامعه توسعه نیافته فاقد چنین تفکیکی است. پس تغییر روی تفکیک متمرکز شده و فرایندی است که در آن واحدهای اجتماعی مستقل و تخصصی شده به جای واحدهای قبلی استمرار می یابد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۶: ۹۰). به نظر وی نوسازی ناظر بر این نکته است که تغییرات فنی، اقتصادی و بوم شناختی همه رشته هایی هستند که از درون کلیت جامعه و فرهنگ سر بر می کشند. از دیدگاه وی در یک جامعه که در معرض فرآیند نوسازی است می توان شاهد تغییراتی در قلمروهای سیاست، صنعت، تکنولوژی و خانواده بود. در قلمرو خانواده، واحدهای وسیع خویشاوندی گسترده خود را از دست میدهند. از نظر طبقاتی تحرک اجتماعی و جغرافیایی، نظامهای ثابت سلسله مراتب را سست می کند (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

از نظر اسملسر در ساختار خانواده تغییرات چندی رخ می دهد به عنوان مثال صنعت خانگی به صنعت کارخانه ای تبدیل می شود. کارکردهای آموزشی که سابقاً از طریق خانواده و نهادهای مذهبی صورت می گرفت در واحد تخصصی تر به نام مدرسه مستقر می شود. به نظر وی در فعالیتهای خانواده فرآیند تمایز ساختی باید ناظر بر رهایی خانواده از برخی کارکردهای سابق و تبدیل به یک کارگزاری تخصصی شده تر باشد و این گرایش معطوف به جدایی کارکردهای خانوادگی از کارکردهای اقتصادی است. فواید این جدایی ها از این قرارند: تضعیف نظارت مستقیم بزرگترها و همجواری خویشاوندی بر خانواده هسته ای، افزایش گزینش شخصی در ارتباط با ازدواج، ارتقای پایگاه و منزلت زنان در جامعه و افزایش فشار علیه دخالت خانواده در استخدام نیروی کار (زاهدی، ۱۳۸۶: ۹۸).

بنا به گفته میلون روکیچ ارزش، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است، که فرد با تکیه بر آن یک شیوه رفتاری خاص با یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است، به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی که در نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می دهد. او به طور کلی نظام ارزشی را سازمانی از اعتقادات مرتبط با مدل های مورد پذیرش برای اعمال یا وجود حالت نهایی در امتداد یک سلسله از اهمیت نسبی می داند (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۷). روکیچ ارزش ها را به دو گروه ارزش های نهایی و ارزش های ابزاری

¹ Harven

تقسیم کرده است و معتقد است که ارزش‌ها شیوه‌های برتر رفتار هستند و به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف مطرح می‌باشند (آزاد مرزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

روکیج معتقد است که باورها، گرایش‌ها و ارزش‌ها (ابزاری یا غایی) همگی در چارچوب نظامی کلی که همان نظام باورهای فراگیر است، نظم می‌یابد و نوعی آمیختگی و ارتباط کارکردی بین عناصر یا اجزای آن وجود دارد که روشنگر اهمیت نسبی هر یک از عناصر نظام کلی باورهاست. بنابراین، ارزش‌های غایی مهمتر و مرکزی‌تر از ارزش‌های ابزاری هستند. همان‌گونه که اهمیت ارزش‌های ابزاری از گرایش‌ها بیشتر است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۸).

در واقع روکیج بر این باور است، که ارزش‌ها به انسانها آموزش داده می‌شوند و پس از یادگیری آنها در درون یک نظام ارزشی سازمان می‌یابند، که هر ارزش در آن نظام براساس رابطه‌اش با ارزش‌های دیگر مرتب می‌شود. ارزش‌ها می‌توانند برای هر فرد کارکردهای مختلفی داشته باشند. آنها استانداردهای رفتاری ما را شکل می‌دهند و در تصمیم‌گیری به ما کمک می‌کنند. برای مثال ارزش‌ها در بازنمایی و معرفی ما به دیگران، در مقایسه‌ای که نسبت به اعمال و اهداف مختلف داریم، تلاشی که در جهت اثرگذاری بر روی دیگران انجام می‌دهیم، در فرموله کردن نگرش‌هایمان، در ارزیابی و نکوهش دیگران و غیره به ما کمک می‌کنند. وی بروز تغییرات در نظام ارزشی افراد را ناشی از تأثیرات دو دسته عوامل شخصیتی یا فردی و عوامل فرهنگی یا نهادهای اجتماعی می‌داند. وی اذعان می‌دارد که ارزش‌ها، محصولات نیروهای نهادی و فرهنگی هستند که بر افراد تأثیر می‌گذارند. نهادهای اجتماعی گوناگون که فرد در سرتاسر زندگی خود در یک فرهنگ مشخص در معرض آن قرار می‌گیرد، نمایندگان و عاملان انتقال به شمار می‌روند. این نهادهای اجتماعی ممکن است یکدیگر را در ارزش‌هایی که مروج آنها هستند، تقویت کنند، ولی آنها ممکن است همچنین در اولویت‌هایی که به ارزش‌های خاص نسبت می‌دهند، با هم به رقابت برخیزند (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۹). وی بر این باور بود، که هر فرد بطور نسبی ارزش‌هایی دارد، که اهمیت ویژه‌ای برایش دارد. روکیج معتقد است، که نظام باورهای کلی هر فرد به صورت کارکردی و سلسله‌مراتبی ساختار بندی شده است. بنابراین، اگر بخشی از یک سیستم تغییر کند، بخش‌های دیگر آن نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تغییر می‌کند، و به تبع آن رفتار فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

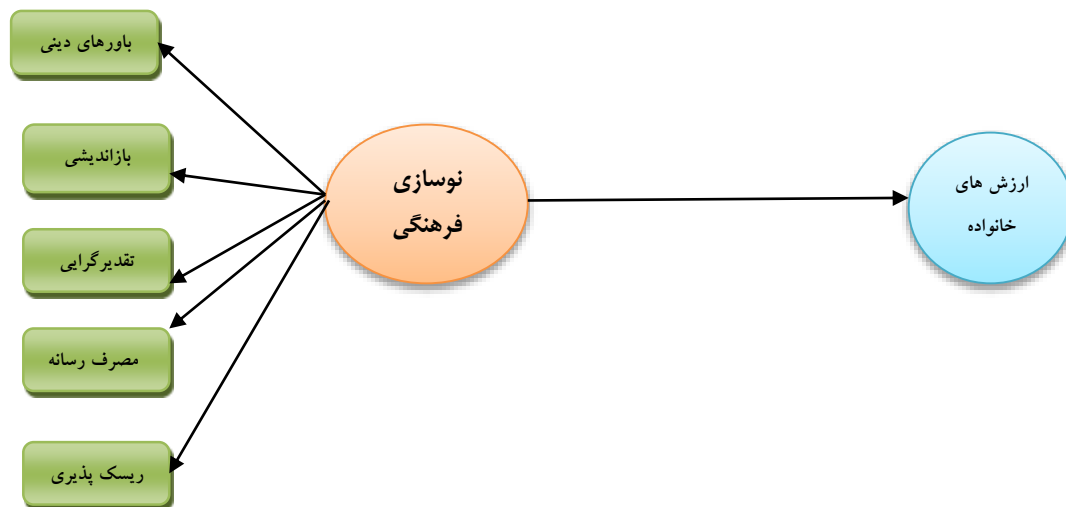
آلکس اینکلس^۱ از مدرن شدن شخصی به عنوان مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها دفاع کرده است. تئوری او نمونه موفقی از فردگرایی را در خانواده ارائه می‌دهد؛ مرد مدرن تنها می‌ماند، آگاه، مستقل از اجبارات و الزامات فامیلی و قید و بندهای سنتی است (هارون، ۱۹۷۹: ۱۹۲). این فردگرایی که می‌تواند به عنوان کنترل بیشتر افراد بر سرنوشت به خود تلقی شود، فرایند تصمیم‌گیری و عملی شدن آنرا در مقایسه با زمانی که توسط خانواده انجام می‌شد، متحول می‌کند. از این رو شروع نوسازی با تأخیر در تحقق تصمیمات فردی هماهنگ است. ازدواجهای با انتخاب آزاد معمولاً با سنین ازدواج بالاتر همبسته‌اند (لوکاس و میر، ۱۳۸۱).

جامعه غربی بطور عام و خانواده غربی بطور خاص به عنوان معیاری برای سنجش توسعه یافتگی در نظر گرفته شده و دستیابی به الگوی خانواده غربی به عنوان شرط لازم برای دستیابی به جامعه‌ای توسعه یافته مطرح می‌گردد. جامعه‌ای فردگرا با حضور کم‌رنج سازمان‌های خانوادگی و برخوردار از ویژگی‌هایی همچون رواج بیشتر خانواده‌های هسته‌ای، سن ازدواج بالاتر، عمومیت پایین‌تر ازدواج، استقلال بیشتر جوانان در اموری همچون همسرگزینی و ارتقاء پایگاه زنان. به این ترتیب جامعه غربی در یک سوی طیف قرار گرفته و سایر جوامع به میزان تفاوتی که با ویژگی‌های این جامعه «مدرن» یا «توسعه یافته» پیدا می‌کردند به عنوان «سنتی» یا «کمتر توسعه یافته» در نظر گرفته می‌شدند (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵: ۱۲۳-۱۲۲). تئوری‌های نوسازی راه‌های ممکن را برای مردم فراهم ساخت تا جهان اجتماعی اطراف خودشان را تغییر دهند (تورتون، ۲۰۰۵). اهمیت این تئوری‌ها برای دانشمندان در این بوده است که این تئوری‌ها وجود ارتباطات علی بین زندگی خانوادگی مدرن و جوامع مدرن را نشان می‌دهند. (مالتوس^۲، ۱۹۸۶؛ تورتون،

¹ Alex Inkeles

² Malthus

۲۰۰۵). در جریان اخیر نوسازی (تورنتون، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵) در مورد بسته‌ای از ایده‌ها بحث می‌کند و آن را بسته ایده‌آلیسم توسعه^۱ نامگذاری می‌کند که در جهان شیوع یافته و به عنوان نیروی اصلی تغییرات جمعیتی خانواده شده است. این تئوری به این که چرا جهان غیرغربی می‌تواند تحت ایده‌های غربی و مدرن قرار بگیرد توجه می‌کند. بنابراین، این تئوری دلیلی را برای این که چرا مردم شرایطشان را دوباره تعریف می‌کنند و بنابراین بر طبق ارزشها و پیش‌بینی‌های جدید عمل می‌کنند، ارائه می‌دهند. در نظریه تئوری گذار دوم جمعیتی، توجه به ارزشهای خود تحقق بخشی اساس تغییرات در خانواده به شمار می‌رود و سکولاریسم، ارزش‌های خود شکوفایی، شک نمودن نسبت به نهادها و عدم اجازه افراد بیرونی به دخالت در امور شخصی از جنبه‌های تغییرات ارزشی محسوب می‌شود که سبب آزادی یافتن افراد در تصمیم‌گیری‌های شخصی‌شان در زندگی‌شان شده است (رزینا^۲ و فرابونی^۳، ۲۰۰۴: ۵). از نظر الریش بک در فرایند فردی شدن، عوامل انسانی، هر دوره از تعینات و فشارهای ساختاری رها می‌شوند و در نتیجه فرصت می‌یابند هویت شخصی خود را بازتولید کنند. در عصر ما قبل مدرن افراد و سرنوشت آنها تحت عوامل خارج از آنها، مانند محیط زندگی، خانواده، طبقه و جنسیت تعیین می‌شد، اما با گسترش فرایند مدرنیزاسیون و رشد نهادهای اجتماعی شدن جدید مانند آموزش و پرورش، نهادهای تربیتی درمانی فرد تا حد زیادی از تسلط عوامل پیشین خارج شده است و خود را در کانون عوامل پیشرفت می‌داند. فضاهاى جدید، مروج آزادی، رقابت، عقلانیت، پیشرفت، خوداتکایی، کارآفرینی برای افراد است. همین عوامل بر دامنه فرایند فردی شدن می‌افزاید و بیش از پیش زندگی را انتخابی و توأم با برنامه‌ریزی‌های شخصی می‌کند (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۴۶). درواقع با ظهور زندگی شخصی، دیگر هویت فرد را نمی‌توان به سادگی به جایگاه او در تقسیم اجتماعی کار مرتبط دانست. (زارتسکی، ۱۳۹۰: ۱۲۹).



شکل (۱): مدل نظری پژوهش

فرضیه های تحقیق

۱. بین نوسازی فرهنگی و ارزش های خانواده در بین دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین نوسازی فرهنگی و ارزش های مادی خانواده در بین دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین نوسازی فرهنگی و ارزش های غیرمادی خانواده در بین دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

¹ Developmental idealism

² Rosina

³ Fraboni

روش تحقیق

روش تحقیق، مبتنی بر پارادایم اثبات گرایی و رهیافت کمی است که با روش پیمایشی انجام شده است. با توجه به برخورداری تحقیق از دو سطح نظری، روش گردآوری اطلاعات، ترکیبی از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای است. که در آن برای گردآوری اطلاعات در سطح تجربی از تکنیک "پرسشنامه نیمه ساخت یافته" (که بر اساس اهداف تحقیق، زمینه‌های نظری، ادبیات تحقیق و زمینه مورد مطالعه تهیه شده است) استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها توصیفی و همبستگی می‌باشد و هدف آن شناخت و توصیف وضعیت موجود ارزش‌های خانواده (متغیر وابسته) و تعیین رابطه آن با مولفه‌های نوسازی فرهنگی (متغیر مستقل) می‌باشد. بنابراین از لحاظ روش گردآوری داده‌ها از دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و روش میدانی (پیمایش و مصاحبه) استفاده شده است.

جامعه پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای استان مازندران بوده که تعداد آنها برابر با ۷۲۵۰۰ نفر است. تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. بعد از مشخص شدن نمونه آماری، برای انتخاب نمونه از جامعه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. برای روش تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS استفاده شده است و برای ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته میزان ارزش‌های خانوادگی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون بهره گرفته شد.

روایی پژوهش به شیوه اعتبار محتوی و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب‌نظر تضمین گردیده است. مقدار CVR بدست آمده ۰/۹۰ می‌باشد. برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری، از آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ متغیر مستقل ۰/۷۲ و متغیر وابسته ۰/۹۲ می‌باشد و نشانگر آن است که همبستگی و همسازی درونی بین گویه‌های مربوط به متغیرها مناسب و قابل قبول می‌باشد. بنابراین مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیرها در حد بالایی است و گویه‌های آن توانسته‌اند از همسازی درونی لازم برخوردار باشند.

تعریف نظری و عملی مفاهیم**ارزش‌های خانوادگی**

ارزش‌های خانوادگی مفهومی است که رسالت تداوم خانواده و به تبع آن تداوم نسل‌ها را در خود دارد و هم اوست که کیفیت و کمیت نسل فردا را رقم می‌زند. کولین در مقاله خود در سال ۱۹۹۴ ارزش‌های خانوادگی را چنین تعریف می‌کند: کیفیت‌هایی که هسته خانواده را تعریف می‌کنند و پیوند مادام‌العمر بین زن و مرد و سایر اعضای خانواده را تضمین می‌کند، به عبارت دیگر ارزشهای خانوادگی، اموری بسیار مهم‌اند که موجب استحکام بنیان خانواده می‌شوند (کولین به نقل از حسین بگی، ۱۳۸۳: ۱۹). برای سنجش ارزشهای خانوادگی و تغییرات این ارزشها از مفاهیمی چون ارزشهای مادی (مانند مصرف محوری و مدیریت بدن) و ارزشهای غیرمادی (مانند سیالیت روابط، نگرش به ازدواج، تساهل در طلاق، فردگرایی) استفاده شده است و سوالات هر مولفه بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری شده است.

نوسازی فرهنگی

نوسازی فرهنگی به فرایند گسترش یافتن دامنه دانش انسان درباره محیطش و پراکندگی این دانش در سراسر جامعه از رهگذر افزایش روزافزون سواد، ارتباطات توده‌گیر و آموزش دلالت دارد (زاهدی، ۱۳۸۵: ۲۱). نوسازی فرهنگی بر اساس پنج مولفه (۱) باورهای مذهبی (۲) بازانديشی (۳) ریسک‌پذیری یا فرهنگ خطر (۴) تقدیرگرایی (۵) مصرف رسانه‌ای، مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های توصیفی متغیرها**تغییرات ارزشی خانواده**

برای سنجش ارزشهای خانوادگی و تغییرات این ارزشها از مفاهیمی چون ارزشهای مادی (مانند مصرف محوری و مدیریت بدن) و ارزشهای غیرمادی (مانند سیالیت روابط، نگرش به ازدواج، تساهل در طلاق، فردگرایی) استفاده شد.

جدول (۱): آماره‌های توصیفی متغیر تغییرات ارزشی خانواده

تغییرات ارزشی خانواده	مولفه ها	میانگین	حداکثر	حداقل	حجم نمونه
ارزش های مادی	مصرف محوری	۳/۴۵	۵	۱	۳۸۴
	مدیریت بدن	۳/۶۴	۵	۱	۳۸۴
	شاخص ارزش های مادی	۳/۵۵	۵	۱	۳۸۴
ارزش های غیرمادی	تساهل در طلاق	۳/۴۶	۵	۱	۳۸۴
	سیالیت روابط	۳/۷۴	۵	۲	۳۸۴
	نگرش به ازدواج	۳/۳۴	۵	۱	۳۸۴
	فردگرایی	۳/۹۵	۵	۱	۳۸۴
	شاخص ارزش های غیرمادی	۳/۶۵	۵	۱	۳۸۴
	شاخص تغییرات ارزشی	۳/۵۹	۵	۱	۳۸۴

نتایج حاصل از جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین بدست آمده برای تمامی مولفه‌ها بالاتر از ۳ بوده و به عبارت دیگر یعنی در حد متوسط رو به بالا می‌باشند. شاخص تغییرات ارزش مادی خانواده برابر با ۳/۵۵، شاخص ارزش های غیرمادی خانواده برابر با ۳/۶۵ و شاخص کل تغییرات ارزشی برابر با ۳/۵۹ می‌باشد. این شاخص در مجموع بیانگر نگرشهای تقریباً مدرن به حوزه ارزشهای خانوادگی در بین دانش آموزان استان مازندران است. شاخص فردگرایی بیشترین میانگین را (۳/۹۵) و شاخص نگرش به ازدواج با میانگین (۳/۳۴) کمترین میانگین را دارا است.

نوسازی فرهنگی

متغیر مستقل نوسازی فرهنگی بر اساس پنج مولفه (۱) باورهای مذهبی (۲) بازاندیشی (۳) ریسک پذیری یا فرهنگ خطر (۴) تقدیرگرایی (۵) مصرف رسانه ای، مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است.

جدول (۲): آماره‌های توصیفی متغیر مستقل نوسازی فرهنگی

مولفه های نوسازی فرهنگی	میانگین	حداکثر	حداقل	حجم نمونه
باورهای مذهبی	۳/۱۳	۵	۱	۳۸۴
بازاندیشی	۳/۴۴	۵	۱	۳۸۴
تقدیرگرایی	۳/۳۵	۵	۱	۳۸۴
مصرف رسانه ای	۳/۶۵	۵	۱	۳۸۴
ریسک پذیری	۳/۲۷	۵	۱	۳۸۴
شاخص نوسازی فرهنگی	۳/۳۶	۵	۱	۳۸۴

در متغیر مستقل نوسازی فرهنگی، میانگین به دست آمده در پنج مولفه مدنظر بیش از عدد سه بوده که نشانگر بالا بودن مقادیر هر یک از مولفه‌های نوسازی فرهنگی در بین دانش آموزان شهر استان مازندران است. بعد مصرف رسانه‌ای بیشترین میانگین را (۳/۶۵) دارد و بعد باورهای مذهبی با مقدار ۳/۱۳ دارای کمترین مقدار میانگین می‌باشد.

یافته های تحلیلی

برای بررسی و آزمون رابطه بین متغیر مستقل نوسازی فرهنگی با متغیر وابسته ارزش های خانوادگی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

فرضیه اول: بین نوسازی فرهنگی و ارزش های خانواده در بین دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به نرمال بودن داده ها و سطح سنجش کمی متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار ضریب برابر با ۰/۵۲۳ با سطح معناداری صفر است. ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین نوسازی فرهنگی و تغییر ارزش های خانواده رابطه

مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی هر چه نوسازی فرهنگی بیشتر شود، میزان تغییر ارزش های خانواده افزایش می یابد و برعکس هر چه نوسازی فرهنگی کمتر شود، میزان تغییر ارزش های خانواده کاهش می یابد. این رابطه از لحاظ آماری معنادار می باشد و شدت رابطه، همبستگی نسبتاً قوی را نشان می دهد. بنابراین فرض H_1 (مبنی بر وجود رابطه) تایید و فرض H_0 (عدم وجود رابطه) با حداکثر اطمینان ۰/۹۹ ابطال می شود.

جدول (۳): ضرایب همبستگی پیرسون بین نوسازی فرهنگی و ارزش های خانواده

متغیر نوسازی فرهنگی	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه همبستگی
باورهای مذهبی	۰/۲۷۶	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد
بازاندیشی	۰/۵۸۹	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد
تقدیرگرایی	۰/۱۶۷	۰/۰۰۱	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد
مصرف رسانه ای	۰/۴۱۹	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد
ریسک پذیری	۰/۲۵۷	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد
شاخص نوسازی فرهنگی	۰/۵۲۳	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد

فرضیه دوم: بین نوسازی فرهنگی و ارزش های مادی خانواده در بین دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون نوسازی فرهنگی و ارزش های مادی خانواده در بین دانش آموزان استان مازندران برابر با ۰/۲۵۷ و سطح معناداری آن صفر است. ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین نوسازی فرهنگی و ارزش های مادی خانواده رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی هر چه نوسازی فرهنگی بیشتر شود، میزان ارزش های مادی خانواده بیشتر خواهد شد و برعکس هر چه نوسازی فرهنگی کمتر شود، میزان ارزش های مادی خانواده کمتر خواهد شد.

جدول (۴): ضرایب همبستگی پیرسون بین نوسازی فرهنگی و ارزش های مادی خانواده

متغیر ارزش های مادی	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه همبستگی
مصرف محوری	۰/۲۸۵	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد
مدیریت بدن	۰/۲۳۳	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد
شاخص ارزش های مادی	۰/۲۵۷	۰/۰۰۱	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد

فرضیه سوم: بین نوسازی فرهنگی و ارزش های غیرمادی خانواده در بین دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین نوسازی فرهنگی و ارزش های غیرمادی خانواده رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۴۵۵ و سطح معناداری آن صفر است. یعنی هر چه نوسازی فرهنگی بیشتر شود، میزان ارزش های غیرمادی خانواده بیشتر خواهد شد و برعکس هر چه نوسازی فرهنگی در بین پاسخگویان کمتر شود، میزان ارزش های غیرمادی خانواده کمتر خواهد شد. این رابطه از لحاظ آماری معنادار می باشد و شدت رابطه همبستگی تقریباً متوسط را نشان می دهد.

جدول (۵): ضرایب همبستگی پیرسون بین نوسازی فرهنگی و ارزش های غیرمادی خانواده

متغیر ارزش های غیرمادی خانواده	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه همبستگی
تسهل در طلاق	۰/۴۷۸	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد
سیالیت روابط	۰/۵۴۵	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد
نگرش به ازدواج	۰/۲۵۹	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد
فردگرایی	۰/۳۳۴	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد
شاخص ارزش های غیرمادی	۰/۴۵۵	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد

آزمون رگرسیون

تحلیل رگرسیونی از بهترین روشهای تحلیلی است که تأثیرهای مشترک و مجزای متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته مورد سنجش قرار می دهد. نتایج رگرسیون به شیوه همزمان نشان می دهد که مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۵۲۳ می باشد که این ضریب شدت رابطه بین متغیر وابسته و متغیر مستقل را نشان می دهد. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۲۷۴ می باشد. مقدار این ضریب نشان می دهد که ۲۷/۴ درصد از تغییرات میزان ارزش های خانواده به متغیر نوسازی فرهنگی مربوط می شود. مقدار آزمون دوربین واتسون نشان دهنده استقلال داده ها از یکدیگر بوده و برای انجام رگرسیون چندمتغیره مناسب هستند.

جدول (۶): خلاصه مدل رگرسیون میزان ارزش های خانواده

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	خطای معیار برآورد	آزمون دوربین واتسون	آزمون F	سطح معناداری
۰/۵۲۳	۰/۲۷۴	۶/۲۴	۲/۳۲	۷/۷۶	۰/۰۰۰

آزمون آنالیز واریانس نشان می دهد که تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته معنادار بوده و متغیر مستقل نوسازی فرهنگی و مولفه های آن از قابلیت پیش بینی برخوردار است. یعنی با احتمال بیش از ۹۹ درصد این متغیر در پیش بینی متغیر وابسته میزان ارزش های خانواده سهم هستند. مقدار بتای این متغیر برابر با ۰/۵۲۳ بوده و تقریباً سهم زیادی در پیش بینی و پیشگویی متغیر میزان ارزش های خانواده دارند.

جدول (۷): ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با میزان ارزش های خانواده

متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	مقدار بتا	آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۸/۱۷۶	۵/۹۲۷	-	۴/۲۹۷	۰/۰۰۰
نوسازی فرهنگی	۰/۲۴۲	۰/۱۳۸	۰/۵۲۳	۷/۰۲۷	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه

طی سال های گذشته به موازات تغییرات اقتصادی و سیاسی که در جامعه ما روی داده، بسیاری از ارزش ها و هنجارهای اجتماعی نیز دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. این هنجارها که به آرامی جای خود را در میان باورها و اعتقادات مردم باز می کنند، ممکن است با باورهای گذشته همخوانی چندانی نداشته باشند و حتی در تعارض با آنها قرار گیرند. تغییرات به وجود آمده در زمینه ارزشهای مادی و غیرمادی یا ارزشهای سنتی و مدرن جوانان، از جمله مواردی است که بسیاری از خانواده ها را با مسائل متعددی روبه رو کرده است (کرمی، ۱۳۸۹). در نتیجه شناخت الگوهای نوسازی و تغییر ارزشهای اجتماعی می تواند حائز اهمیت باشد. تغییرات صورت گرفته در حوزه خانواده همانند بسیاری دیگر از جنبه های زندگی اجتماعی انسان، یکی از واقعیت های انکارناپذیر زندگی در دنیای مدرن است. نوسازی و توسعه اقتصادی - اجتماعی از نیروهای اصلی نهفته در پس این تغییرات است. از نظر اینگلهارت و ولزل در هر جامعه ای با افزایش سطح تحصیلات، جهان بینی های دینی سنتی بطور اجتناب ناپذیری در مقابل جهان بینی های عقلانی سکولار تضعیف شده و رو به افول می گذارند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۶۷). با توجه به ماهیت متفاوت اجتماعات انسانی نمی توان انتظار داشت که تغییرات در همه جوامع به طرز یکسانی ظاهر شده باشد. بی تردید، در اجتماعات چند قومی و چند فرهنگی، مانند ایران، تأثیر نیروهای نوسازی و عوامل تغییر به طور ناهمزمان و در طول زمان خواهد بود. بنابراین، انتظار نمی رود که افراد در بسترهای مختلف قومی - فرهنگی به میزان یکسانی تحت تأثیر نیروهای نوسازی و عوامل اقتصادی - اجتماعی تغییر در ارزش ها و هنجارهای مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده قرار بگیرند.

میانگین های محاسبه شده برای ابعاد پنجگانه نوسازی فرهنگی نشان می دهد که سطح نوسازی فرهنگی در نمونه مورد مطالعه در مجموع بالاتر از سطح متوسط است. عبارتی میانگین همه مولفه های نوسازی فرهنگی بالاتر از عدد سه می باشد. در متغیر ارزش های خانواده چه در بعد ارزش های مادی و چه در بعد ارزش های غیرمادی می توان شاهد میانگین بالاتر از عدد متوسط بود. نتایج به دست آمده با نظرات آنتونی گیدنز و اینگلهارت از بعد نظری هماهنگ و همسو است. نظریه پردازان مدرنیزاسیون و همگرایی خانواده،

ایدآلیسم توسعه، نظریه گذار دوم جمعیتی و توسعه انسانی معتقدند که توسعه مهمترین عامل تغییرات و تحولات خانواده محسوب می‌شود. تورنتون و همکارانش (۲۰۰۴) نیز بر این عقیده هستند که تغییرات خانواده بعد جهانی داشته و علاوه بر جوامع غربی در سایر جوامع نیز از گستره و شتابی چشمگیر برخوردار بوده است. گرچه گاهی به علت تفاوت‌های میان فرهنگی، این تغییرات دارای ماهیت نسبتاً متفاوتی هستند.

از نظر آنتونی گیدنز نوسازی و تجدد احتمال خطر را در بعضی از حوزه‌ها و شیوه‌های زندگی کاهش می‌دهد ولی در عین حال پارامترهای خطر آفرین و کاملاً ناشناخته‌ای را نیز به همان حوزه‌ها وارد می‌سازد. شاید به نظر آید که مردم در جامعه ایران هنوز در اندیشه سنتی هستند، ولی سبک و نوع زندگی شان نشان می‌دهد که مردم در تجملات زندگی مدرن می‌باشند و به واقع مردم سنتی می‌اندیشند و مدرن زندگی می‌کنند. همچنین نتایج این پژوهش نشانگر آن است که نوسازی اجتماعی و فرهنگی زمینه را برای تغییر ارزش‌های اجتماعی در ابعاد مادی و غیرمادی فراهم می‌کند. این نتایج با یافته‌های زاهدی و نازک‌تبار (۱۳۹۳)، محمدپور (۱۳۸۰)، مدیری (۱۳۹۷)، آزاد ارمکی و ملکی (۱۳۸۵)، محمدپور و دیگران (۱۳۸۸)، آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۴)، نجفی ایوکی (۱۳۹۲)، امینی (۱۳۹۵)، آفاجانیان (۲۰۰۱)، هیرشمن و هومین (۲۰۰۲)، نینا تورن (۲۰۰۴)، مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶)، والک و همکاران (۲۰۱۰)، لایی و تورنتون (۲۰۱۵)، هیماون و دیگران (۲۰۱۷)، زاهدی و همکاران (۱۳۹۲) و جوادی و زنجانی‌زاده (۱۳۸۳) هماهنگ و همسو بوده است. بنابراین توسعه و مدرنیزاسیون می‌تواند ارزش‌های دانش آموزان استان مازندران را تغییر دهد و بایستی در راستای صنعتی شدن، توسعه و نوسازی اجتماعی و فرهنگی، به دنبال تغییر در ارزش‌های جامعه متناسب با فرهنگ جامعه ایرانی اسلامی بود.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی توسعه، نشر کلمه، تهران.
۲. امینی، بهروز (۱۳۹۵) بررسی تاثیر شبکه اجتماعی تلگرام و مکانیسم تاثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده (مورد مطالعه: شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین.
۳. اسلوین، جیمز (۱۳۸۰) اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گلگوری. تهران: کتابدار.
۴. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳): تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
۵. اینگلهارت، رونالد؛ ولز، کریستین (۱۳۸۹): نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
۶. اینگلهارت، رونالد؛ پل آر، آبرامسون (۱۳۷۸): امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی، ترجمه شهناز سمیع‌خانی، نامه پژوهش، ش ۱۴ و ۱۵.
۷. اینگلهارت، رونالد؛ ولز، کریستین (۱۳۸۹) نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
۸. پهلوان، منوچهر (۱۳۸۹) بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر تغییر ارزش‌ها در بین جوانان بابل. فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد بابل، سال اول، پیش شماره ۲، پاییز ۱۳۸۹.
۹. حقیقتیان، منصور و دیگران (۱۳۹۵) بررسی تاثیر نوسازی فرهنگی و مکانیسم تاثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده در بین جوانان نهاوند، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان.
۱۰. زاهدی، محمد جواد، و همکاران (۱۳۹۲) "نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده"، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۱، بهارص ۶۸-۹۷.
۱۱. زنجانی‌زاده، همو و جوادی، محمدعلی (۱۳۸۳) بررسی تاثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده. مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲۲، صص ۱۴۶-۱۲۲.
۱۲. زارتسکی، ایلیا (۱۳۹۰): سرمایه‌داری، خانواده و زندگی شخصی، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: ج ۱، نشر نی.
۱۳. عنبری، موسی (۱۳۹۰): جامعه‌شناسی توسعه، از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: ج ۱، انتشارات سمت.
۱۴. کفاشی، مجید (۱۳۸۷) بررسی تاثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده. فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۸، صص ۷۸-۵۶.

۱۵. کوهی، جمال و جمالی، یاور (۱۳۹۱) جوانان و فیس بوک. پژوهش نامه جامعه شناسی جوانان، دانشگاه مازندران، مقاله ۷، دوره ۲، شماره ۳، زمستان ۹۲.
۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷): پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: چاپ ۲، نشر مرکز.
۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲): چشم انداز خانواده، ترجمه محمدرضا جلالی پور، آفتاب، سال سوم، شماره ۲۹، صص ۵۷-۵۴.
۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷): گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی، جهان رها شده، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: چ ۲، انتشارات علم و ادب.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸): تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: چ ۶، نشر نی.
۲۰. لوکاس، دیوید؛ و پاول، میر (۱۳۸۱): درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. محمدپور، احمد، و همکاران (۱۳۸۸)، "بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه ای" مطالعه موردی: ایلات منگور و گورک"، فصلنامه خانواده پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز صص ۳۱۰-۳۳۱.
۲۲. محمدپور، احمد؛ صادقی، رسول؛ رضایی، مهدی؛ پرتوی، لطیف (۱۳۸۸): سنت، نوسازی و خانواده، مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۴، صص ۹۳-۷۱.
۲۳. نجفی ایوکی، پیمان (۱۳۹۲) بررسی تاثیر شبکه های ماهواره ای فارسی زبان بر ارزش های خانوادگی دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد بابل.
۲۴. یوسفی، نریمان (۱۳۸۹) بررسی نقش تلویزیون در روابط نسلی با تاکید بر ارزش های فرهنگی، مرکز تحقیقات صدا و سیما.

25. Ariadi, S., Saud, M., & Ashfaq, A. (2018). Exploring the Role of NGOs' Health Programs in Promoting Sustainable Development in Pakistan.
26. Cook, L. J. (2015). New winds of social policy in the East. *Voluntas*, 26, 2330–2350. doi:10.1007/s11266-015-9642-7.
27. Costa, M. M. (2016). What Influences the Location of Nonprofit Organizations? A Spatial Analysis in Brazil. *VOLUNTAS: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations* 27 (3): 1064–1090.
28. Davis, J. M. (2019). Real “non-governmental” aid and poverty: comparing privately and publicly financed NGOs in Canada. *Canadian Journal of Development Studies/Revue canadienne d'études du développement*, 1-18.
29. Deeppa, k. Anupama, T and Murthy K. (2011). An NGO approach in promoting sustainable community development: A case of on RDO at Nilgiris distracts *International NGO Journal* vol.6 (6): 144-151.
30. Dill, A. P. (2014). Health care and disability NGOs in Croatia: State relations, privatization, and professionalism in an emerging field. *Voluntas*, 25, 1192–1213. doi:10.1007/s11266-014-9440-7.
31. Fruttero, A., and Gauri. V. (2005). The Strategic Choices of NGOs: Location Decisions in Rural Bangladesh. *Journal of Development Studies* 41 (5): 759–787.
32. Green A, Matthias A. Where do NGOs fit in? *Dev Pract* (1995) 5:313–23. doi:10.1080/0961452951000157334.
33. Habermas, Jurgen (1984), the Theory of Communicative Action, vol. 1. Boston: Beacon.
34. Hartmann, D., Arata, A., Bezerra, M., & Pinheiro, F. L. (2019). The network effects of NGOs on social capital and innovation of smallholder farmers. A case study in Peru. *A Case Study in Peru* (January 9, 2019).
35. Hassan, A., & Forhad, A. (2013). THE ROLE OF NGOs IN THE SUSTAINABLE DEVELOPMENT IN BANGLADESH. *Present Environment & Sustainable Development*, 7(2).
36. Hoang, T. (2013). Civil society organisations' roles in health development in Vietnam: HIV as a case study. *Global Public Health*, 8 (sup1), S92–S103. doi:10.1080/17441692.2013.811530.
37. Islam, M. R. (2015). NGOs' social capital development initiatives for social welfare: Bangladesh experience. *Global Social Welfare*, 2(4), 167-176.
38. Islam, M. R., & Morgan, W. J. (2012). Agents of community empowerment? The possibilities and limitations of non-governmental organizations in Bangladesh. *Journal of Community Positive Practices*, 12(4), 703–725.
39. Karkee, R., & Comfort, J. (2016). NGOs, foreign aid, and development in Nepal. *Frontiers in public health*, 4, 177.
40. McArthur, J. W., & Rasmussen, K. (2018). Change of pace: Accelerations and advances during the Millennium Development Goal era. *World Development*, 105, 132-143.
41. McCabe, H., & Deng, G. (2018). “So they’ll Have Somewhere to go”: Establishing Non-Governmental Organizations (NGOs) for Children with Autism in the People’s Republic of China. *VOLUNTAS: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 29(5), 1019-1032.

42. Nikkhah, H. and Redzhuan, M. (2010). The role of NGOs in promoting empowerment for sustainable Community Development, *kamla-raj, University Putra Malaysia, 43400 Serdang, Selanger, Malaysia, J Hum Ecol*, 30(2):85-92.
43. Nyang'au, S, Nyangosi, R, Oenga, J, Suleiman, A. (2016). Role of Non-Governmental Organizations (NGOs) in Social Development in Developing Nations, *Journal of Economics and Sustainable Development*, Vol. (7):1700-2222.
44. Orzes, G., Moretto, A. M., Ebrahimpour, M., Sartor, M., Moro, M., & Rossi, M. (2018). United Nations Global Compact: Literature review and theory-based research agenda. *Journal of cleaner production*, 177, 633-654.
45. Osterwalder, A. (2003). Sustainable rural development in developing countries. Lausanne: University of Lausanne Pub.
46. Salvia, A. L., Leal Filho, W., Brandli, L. L., & Griebeler, J. S. (2019). Assessing research trends related to Sustainable Development Goals: Local and global issues. *Journal of cleaner production*, 208, 841-849.
47. Sang, H., Ngamau, N., & Ragama, P. (2018). EFFECTS OF STRATEGIC ALIGNMENT ON THE PERFORMANCE OF NON GOVERNMENTAL ORGANIZATIONS IN NAKURU TOWN, KENYA. *INTERNATIONAL JOURNAL OF BUSINESS AND PROCESSES*, 4(2), 21. Retrieved from <http://www.irjbp.com/index.php/Business/article/view/115>.
48. Turner, M; McCourt. W and D. Hulme (2013), *Governance, Management and Development*, Second Edition, London, Palgrave.
49. Zbucha, A., & Romanelli, M. (2018). The Role of NGOs in Urban Development. *Societal Impact of Knowledge and Design, Proceedings of the IFKAD*.
50. Aghajanian A 2001, family and family change In Iran, In Charles B. Hennon, Timothy H. Brubker *Diversity in family: Global perspective*, New York, wad worth publishing company.
51. Thornton, A (2001): The developmental paradigm, reading history sideways, and family Change, *Demography*, 38 (4) 449-465
52. Colter, M , Michell (2009): "Three Essays on world views, Autonomy and the family in Nepal, A dissertation submitted in partial Fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of philosophy (sociology), in the university of Michigan, Doctoral Committee: professor Arland D Thornton, Chair Professor William G. Axinn, Professor Miles S. Kimball, Professor Yu xie, copying by proudest LLC
53. Colter, Michell (2010): The Influence of modernization paradigm of people's Beliefs about family and social change, WWW.Princeton.edu/~Cmitche/index-files/casual
54. Good, William (1963): *World Revolution and family Patterns'* press Publition, New York
55. Harven, Tamara k (1979): *Modernization and family History: perspectives on social Change*, Chicago Journals, vol2, No1 pp:190-206
56. Malthus, T.R (1986): "An essay on the principle of population", In Thomas Malthus: an Essay on the principle of population, edited by A. Flew New York: penguin
57. Rosina, Alessandro; fraboni, Romina (2004): "Is marriage losing its Centrality in Italy?" *Demographic Research*, volume 11, Article 6, Pages 149-172, 14 September, http://www.demographic_research.org/volumes/vol11/6/.
58. Thornton, A & Yang- De macro (2001): four decades of trends in attitudes toward family issues in the united states: the 1960 S through the 1990 S, *Journal of marriage and the family*, 63 (4), 1009-1037
59. Thornton, Arland (2005): *Reading History Sideways: The Fallacy and Enduring Impact of the Developmental paradigm on family life*, Chicago: the University of Chicago press
60. Qing Lai, Arland Thornton(2015) *The making of family values: Developmental idealism in Gansu, China*, *Social Science Research*, Volume 51, May 2015, Pages 174-188.
61. Karel Karsten Himawan, Matthew Bambling, Sisira Edirippulige (2017) *Modernization and singlehood in Indonesia: Psychological and social impacts*, *Kasetsart Journal of Social Sciences*, in press, corrected proof, Available online 23 October 2017.
62. Callabero Serrano, E., & Ojo, M. (2019, March). Role of NGOs in Sustainable Development: Addressing Imbalances from the Shift in the Cooperation between Middle and Upper-Middle Income Countries (II) (Presentation Slides). In Forthcoming, Joint Presentation at the Inaugural Conference of the Centre and Institute for Innovation and Sustainable Development.